

اخبار کار گری

اساتید دانشگاه فرهنگیان در تجمع اعتراضی: به اجبار اخراج شدیم و ۱۲ ماه است حقوق نگرفته‌ایم!

روز دوشنبه (۲۹ تیرماه) اساتید دانشگاه فرهنگیان که به‌اجبار و به‌صورت غیرقانونی اخراج شده‌اند، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. این هشتمین تجمع اساتید دانشگاه فرهنگیان در یک سال اخیر است. آن‌طور که تجمع کنندگان می‌گویند در پایان تیرماه ۱۴۰۵ قطع حقوق اساتیدی تطبیقی دانشگاه فرهنگیان یک ساله می‌شود. به گزارش ایلنا، آنها در این تجمع بر محق بودن همه اساتید بالاجبار بازنشسته دانشگاه فرهنگیان مطابق مصوبه سال ۱۳۹۶ تاکید کردند و گفتند: کمسیون‌های تخصصی مجلس از جمله کمسیون آموزش و تحقیقات، کمسیون اصل ۹۰ قانون اساسی و کمسیون حقوقی و قضایی مجلس و نایب رئیس مجلس و ناظران نمایندگان مجلس در نامه‌های متعدد جداگانه بر محق بودن ما تاکید کرده‌اند. این اساتید همچنین افزودند: رای مثبت و مو ک معاونت حقوقی ریاست جمهوری در سه نامه متوالی، بازرس ویژه رییس جمهور در دو نامه متوالی، معاونت پارلمانی ریاست جمهوری و معاون اول ریاست جمهوری هر کدام در دو نامه، همگی موید نقضای استمرار خدمت اساتید بالاجبار بازنشسته دانشگاه فرهنگیان است. این عده تاکید کردند: باوجود همه این ارا و نامه‌های تاکید، تاکنون وزیر آموزش و پرورش اقدامی نکرده و به جای استقبال از این ارا و تاکیدات، شمشیر دشمنی با اساتید دانشگاه فرهنگیان را که جر می‌جز خدمت صادقانه نداشت‌اند از روسته‌ست تجمع کنندگان تاکید دارند: تمام این نامه‌ها باطلی مراحل طولانی و باسختی بسیار، به‌دست مسئولان دانشگاه رسیده اما مسئولان مربوطه به آن بی‌توجه بوده و با بسنج امکانات دانشگاه وزارت، دنبال بی‌ اثر کردن این نامه‌ها و تضییع حقوق اساتید دانشگاه فرهنگیان بوده‌اند. آنها در پایان گفتند: نتیجه حضورهای قبلی به‌استغای اجباری ریاست قبلی دانشگاه در ماه گذشته انجامید



اما اینکه ۴۰۰ خانواده از این تغییر امید به رسیدن به حقوق قانونی خود داشتند، متأسفانه به‌نظر می‌رسد ریاست جدید دانشگاه قصد دارند از اختیارات بسیار وسیع خود به عنوان سرپرست دانشگاه فرهنگیان استفاده کنند. آنها گفتند: تا اینجا کلی به‌نظر می‌رسد ی دقیقاً باجای پای رئیس سابق گذاشته و تنها کلام مثبتی که از وی شنیده شده این جمله تکراری است که «مشکل اعطای ا پایه سنواتی که از دیگر حقوق پایمال شده اساتید از سال ۱۳۹۳ تاکنون است، رفع شده». این اساتید در پایان، از ریاست سه‌فوق خواستند که صدای مظلومیت آنها را بشنوند. آنها تاکید کردند که بیش از ۱۲ ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند و در این شرایط سخت، با مشکلات سخت معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

□□□

کار گر پیمانکاری مس سر چشمه قربانی برق گرفتگی شد

حادثه‌ای تلخ در شرکت «کلی‌مس» از شرکت‌های زیر مجموعه مجتمع مس سر چشمه منجر به جان باختن یکی از کارگران جوان این مجموعه شد. بر اساس گزارش‌های رسیده، این حادثه طی روزهای گذشته رخ داده و قربانی آن، کارگری جوان به نام «محمد شاهین» ۲۷ ساله می‌باشد. او است. به گزارش ایلنا، اگرچه بررسی‌های کارشناسی برای تعیین علت دقیق این واقعه همچنان ادامه دارد اما برخی از همکاران وی مدعی هستند که این حادثه ناگهانی، زمانی رخ داده که این کارگر حین نوشتیدن ادچار برق گرفتگی شدید شده است. فعالان صنفی کارگری در استان کرمان، با ابراز تأسف از وقوع این حادثه، بار دیگر بر لزوم رعایت دقیق پروتکل‌های ایمنی در محیط‌های معدنی و صنعتی تاکید کردند. به گفته کارگران مجتمع مس سرچشمه، شواهد اولیه از احتمال نقص در سیستم‌های ایمنی یا فرسودگی تجهیزات حکایت دارد اما نظر نهایی بر عهده بازرسان اداره کار و کارشناسان ذی صلاح خواهد بود.

□□□

بانتقاد از حقوق ناچیز در دمای ۵۵ درجه اهواز مطرح شد؛

شرایط کارگران خطوط راه آهن جنوب طاقت فر ساست



جمعی از کارگران تعمیرات ریل و نگهداری خط در اداره کل راه‌آهن جنوب (مرکز اهواز)، بانتقاد از شرایط دشوار کاری، خواستار رسیدگی به وضعیت مطالبات مزدی و رفتارهای مدیریتی در این مجموعه شدند. به گزارش ایلنا، این کارگران که در دمای بیش از ۵۵ درجه سانتی‌گراد خوزستان مشغول به تعویض و تعمیر ریل‌های قطار هستند، می‌گویند با وجود کار در این شرایط سخت و طاقت فرسا، در پایان ماه با کسورات شدید و غیرمنتظره در دستمزدهای خود مواجه می‌شوند. یکی از کارگران شاغل در این پروژه به گلايه از وضعیت موجود گفت: در این گرمای سوزان جنوب با جان و دل زحمت می‌کشیم اما زمان پر داخت حقوق، به بهانه‌های مختلف مبالغه‌ی بادی از دستمزدهای حداقلی مان کسر می‌شود. وی با اشاره به عدم پاسخگویی مسئولان مربوطه افزود: زمانی که برای پیگیری اعتراض نسبت به این مبالغ کسر شده مراجعه می‌کنیم، نه تنها پاسخ قانع‌کننده‌ای دریافت نمی‌کنیم، بلکه با لحنی تند به ما اعلام می‌شود که «شرایط همین است و در صورت شکایت، اخراج خواهید شد». این کارگران با تاکید بر فشارهای شدید مالی و اقتصادی که بر خانواده‌هایشان وارد شده، اظهار داشتند که در وضعیت فعلی توان ادامه این روند ندارند.

□□□

مرگ یک سیمبان در جالوس

یکی از کارگران سیمبان شاغل در شرکت توزیع برق شهرستان جالوس استان مازندران حین انجام کار دچار حادثه سقوط از تیرک برق شده و جان باخت. به گزارش ایلنا، متأسفانه این سیمبان به نام «رضامعینی» در ارتفاع تیرک در حال رفع مشکل و ترمیم شبکه برق منطقه «شمال آباد» بود که به دلیل کمبود امکانات از ارتفاع به سطح زمین سقوط کرد. طبق این گزارش، نبود تجهیزات ایمنی کافی و استانداردهای لازم برای جلوگیری از وقوع چنین حوادثی از عوامل اصلی بروز خطرات شغلی برای کارگران به‌شمار می‌رود.

سعید حسام‌الدینی

جنگ است؛ صدای بمباران و انفجار می‌آید. منازل مسکونی آسیب می‌بینند، موشک‌هایی آیند که تخریب کنند و ناجوانمردانه جان بگیرند. جنگ به شهرها و مناطقی آسیب وارد می‌کند که بیش از آن، مردمش و به ویژه طبقه کارگر، سال‌ها با بیکاری، نبود امنیت شغلی، نابرابری اجتماعی، سرکوب مزدی و بی‌آبی و بی‌برقی دست و پنجه نرم کرده‌اند.

این توصیفات، شرح حال بسیاری از مناطق محروم ایران است اما این بار دره‌بین را روی شهر چابهار می‌گذاریم. شهری در استان همیشه محروم سیستان و بلوچستان؛ استانی که روی گنج خوابیده و از لحاظ منابع معدنی جزو پرتانسیل‌ترین نقاط کشور است. معادن تیتانیوم، آهن، مولاسودر دل این خاک نرفته‌اند و موقعیت مرزی و بندری چابهار، یک شاه‌رگ تجاری و شغلی بالقوه است. اگر این ثروت عظیم به‌درستی مدیریت می‌شد، مردمانش باید در اوج رفاه زندگی می‌کردند اما واقعیت چیز دیگری است.

مردم چابهار نه تنها از امکانات حداقلی زیستی محرومند، بلکه اکنون زیر سایه سنگین موشک‌های آمریکاقرار گرفته‌اند.

در خلال این بحران‌ها و اتفاقات، سراغ کارگران شهرداری چابهار می‌روم؛ همان کسانی که تا کوچک‌ترین آسیبی به شهر می‌رسد و تخریبی رخ می‌دهد، بلافاصله پس از نیروهای آتش‌نشانی در صحنه حاضرند. آنها سربازان گمنامی هستند که کسی نامشان را نمی‌برد، برچسب «قهرمان» به‌سینه‌شان نمی‌چسبد و دوربین‌های رسانه‌های جریان اصلی دوست ندارند چهره خسته و خاک‌گرفته‌شان را ثبت کنند اما همیشه حضور دارند و پادستانی خالی تلاش می‌کنند باز هم شهر تمیز باشد، سرپایمانند و در این جنگ دوام بیاورند. با این حال باید پرسید، شرایط زندگی و معیشت این کارگران چگونه است؟ شاید با خود بگویم حال که این نیروها در این شرایط بحرانی کار می‌کنند، حتماً حق جنگ یا مزایای ویژه‌ای دریافت می‌کنند ولی زهی خیال باطل! در واقع آنها همچنان لنگ حقوق‌های معوقه و حداقلی خود هستند.

روایت کارگر: آینه تمام‌نمای تبعیض
برای درک این واقعیت‌های تلخ، پای درددل «احمد» یکی از کارگران شرکتی پسماند شهرداری چابهار نشستیم. روایت او، دیگر یک گزارش خشک اداری نیست بلکه صدای خسته و خاکی کارگری

است که در گرمای کشنده جنوب، جان می‌کند.

او از خط‌کشی‌های ناعادلانه شهرداری این‌گونه می‌گوید: «نیروهای شهرداری چابهار قرار داده‌ای مختلفی دارن؛ روز مزد، شرکتی، قرار داد مستقیم. من خودم نیروی شرکتی پسماندم. تازه بعد از دو ماه، یه پولی ریختن به حسابمون، اونم فقط پایه

روزی بالاخره دود انفجارها باورزش بادهای موسمی جنوب از آسمان شهر محومی شود اما غبار سنگین تبعیض به این سلاگی‌ها از چهره زندگی کارگران پاک نخواهد شد. شهری که تاب‌آوری و سرپایماندنش راوام‌دار تن‌های خسته و سفره‌های خالی کارگران است، در دی عمیق در سینه دارد

کارگران شهرداری چابهار: زیر موشک باران نه حق جنگ می‌گیریم، نه اضافه‌کار

سمفونی تلخ جاروها و آوارها



حقوق اضافه‌کار و مزایا کلاً و هواس. حقوق‌مون رو که مستقیم نمی‌دن، می‌دن به شرکت، اونم چند روز نگه می‌داره بعد می‌ده. الان برج یک و دو رو دادن ولی مابه‌التفاوتش رو ندادن.

شاید تصور شود کارگری که در دل حملات و بمباران‌ها به دل خطری می‌زند، حتماً از «حق جنگ» یا مزایای ویژه‌ای برخوردار است. احمد این تصور را باطل می‌داند: «تو این مدت که مدام دارن تصور رو می‌زنن، وقتی جایی آسیبی می‌بینی، اولین نیرویی که می‌ره اونجا رو مرتب و تمیز کنه ماییم؛ دوشادوش آتش‌نشانی. روز تعطیل که نداریم، همیشه پای کاریم و تو خط مقدمیم ولی امنیت شغلی؟ نداریم آقا، وصلیم به پیمانکار... حق جنگ و حق خطر پیشکش، ماقط می‌گییم همین اضافه‌کار و مزایای خودمون رو به موقع بدن! بعضی سسازمان‌ها مثل منطقه آزاد، هزینه جنگ رو به نیروهاشون دادن، در صورتی که خط مقدم ماییم».

صدای احمد وقتی به وضعیت در مان و بیمه

می‌رسد، ضعیف‌تر می‌شود: «بیمه‌هامون سر موقع پرداخت نمی‌شه. کارگر تو این گرما مریض می‌شه می‌ره دکتر، طرف ۲۰ سال سابقه کار داره، پزشک تو سیستم می‌زنه می‌بینه اصلاً بیمه نداره!

حقیقت تلخ خیابان‌های چابهار این است: نمی‌توان بار یک شهر بحران‌زده را بر دوش‌های نحیف طبقه‌ای گذاشت که حتی از سهم کارگر از فراه به یغما می‌رود. این کارگران سال‌هاست زیر بار سنگین بی‌عدالتی‌های خاموش، درگیر جنگی ناعادلانه‌اند؛ حالاً ناخواسته آوار موشک‌ها هم اضافه شده‌است...

کارگری پول مجبوره با همون حال مریضی برگرده خونه بیفته تور خنخواب... حقوق ما همون حداقل اداره کاره، ۲۵،۲۰ تومن... با اضافه‌کار تازه‌اگه خیلی لطف کنن و پرداخت کنن شاید برسه به ۳۰ تومن».

این شرایط فقط برای کارگرانی مانند احمد وجود دارد. در همان شهرداری، تضاد فاحشی میان حقوق مدیران و مسئولان و دستمزد کارگران برقرار است. جایی که مدیران از دور ایستاده‌اند و وضعیت‌شان با کارگران زمین تا آسمان فرق دارد: «مسئولان و مدیران شهرداری اونا وضع‌شون خیلی خوبه، همه چی بهشون داده می‌شه. دستشون بازه. آقا طرف تو سطح استان کار شخصی داره، می‌ره دنبال کار خودش، بعد برای خودش ماموریت رد می‌کنه و حق ماموریت و اضافه‌کارش رو هم سر وقت می‌گیره! هر کدوم چند تا خونه دارن، بالادستی‌ها همه چی دارن، ولی به ما که می‌رسه می‌کن مشکل داریم».

احمد در پایان حرف‌هایش، از امکاناتی می‌گوید که سال‌هاست به نام کارگر و به کام مدیران است: «تعاونی مسکن و تعاونی مصرف و صندوق رفاه؟ اینا همه‌اش روی کاغذ و عملاً هیچ آورده‌ای برای ما نداره. ما برای اونا فقط حکم «پیاده‌نظام» رو داریم! اسم ما رو تو لیست تعاونی و صندوق می‌نویسن تا معمولاً خودشون امتیاز بگیرن...».

چابهار، تقاطع عریان تضاد طبقاتی

چابهار، تقاطع عریان تضاد طبقاتی است؛ آوردگاهی که سهم کارگر از آن، سینه‌ای پر از غبار، تنی بیمار و سفره‌ای است که در محاصره تورم و بی‌بهری پیمانکاران، هر روز آب می‌رود. در برابر، سهم مدیران و بالادستی‌ها، حق ماموریت‌های نجومی و حقوق‌های آن چنانی‌ست...

روزی بالاخره دود انفجارها با ورزش بادهای موسمی جنوب از آسمان شهر محومی شود اما غبار سنگین تبعیض به این سادگی‌ها از چهره زندگی کارگران پاک نخواهد شد. شهری که تاب‌آوری و سرپایماندنش را وام‌دار تن‌های خسته و سفره‌های خالی کارگران است، در دی عمیق در سینه دارد. حقیقت تلخ خیابان‌های چابهار این است: نمی‌توان بار یک شهر بحران‌زده را بر دوش‌های نحیف طبقه‌ای گذاشت که حتی از داشتن یک بیمه درمانی ساده محروم است؛ شهری که در آن، سهم کارگر از فراه به یغما می‌رود. این کارگران سال‌هاست زیر بار سنگین بی‌عدالتی‌های خاموش، درگیر جنگی ناعادلانه‌اند؛ حالاً ناخواسته آوار موشک‌ها هم اضافه شده‌است...

حمایتی موثرتر از فرودستان داشت. حیدری با تاکید بر این‌که منابع محدود را به درستی توزیع نکردیم، افزود: گله مردم از کمبودها و به‌طور خاص اعتراض بازنشستگان به این وضعیت معیشتی بر حق است، کمبود منابع که دولتی‌ها هم بر آن انگشت می‌گذارند، واقعی است. با این حال می‌توانیم با وجود همین منابع ناچیز، وضعیت بازنشستگان، کارگران و به‌طور کلی مردم را بهبود بخشیم و فشار فقر را در همین چارچوب فعلی کاهش دهیم.

از نظر حیدری توسعه بانک اطلاعاتی و کارآمد کردن آن می‌تواند به‌نوعی محسوس از هدررفت منابع در کشور جلوگیری کند و هم‌زمان به دولت کمک کند تا از ثروتمندان بیشتری مالیات بگیرد.

هم منابع هدر می‌رود و هم فقر افزایش می‌یابد

این عضو کانون بازنشستگان کارگری تهران با ذکر یک مثال به توضیح بیشتری دست زد. او گفت: در سازمان تامین اجتماعی هر کس که فوت می‌کند به‌سرعت مستمری‌اش قطع می‌شود. به‌این‌شکل که هر کس فوت می‌کند به سرعت و اتوماتیک در سیستم بهشت زهرا و ثبت احوال ثبت می‌شود و از این طریق سازمان تامین اجتماعی متوجه شده و حقوق متوفی را قطع می‌کند اما در گذشته ممکن بود فردی بمیرد و چند سال هم مستمری بازنشستگی او پرداخت شود. بار شد بانک‌های اطلاعاتی و اتصال آنها به یکدیگر، هدررفت منابع سازمان کاهش یافت. حیدری با اشاره به برنامه هفتم توسعه گفت: در برنامه هفتم توسعه تاکید شده که بانک اطلاعاتی سازمان تامین اجتماعی و سازمان امور مالیاتی یکی شود؛ بر اثرشکته‌دار بر خورد با مالیات شروع می‌کنند هزینه‌ها را بالا بردن، تا مالیات کمتری بدهند و در موضوع بیمه حقوق همه را حداقل اعلام می‌کنند که حق بیمه کمتری بدهند. اگر بانک اطلاعاتی این دو سازمان یکی شود، امکان این سواستفاده‌ا بین خواهد رفت. از نظر ایسن فعال کارگری با این اقدام زمینه‌های فساد و هزینه‌های بازرسی در کشور کاهش خواهد یافت. وی تاکید کرد بدون اصلاح نظام پاران‌های فعلی و تغییر رویکردهای فعلی، هم منابع هدر خواهند رفت و هم فقر افزایش خواهد یافت.



سیاست‌گذاری نشود، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. در بودجه عمومی همین امروز هم منابع بزرگی برای تامین عدالت اجتماعی وجود دارد که یکسره به توزیع عادلانه و مجدد ثروت تاکید دارد یعنی منابعی در کشور جمع‌آوری می‌شوند و دوباره و در جهت تقویت عدالت توزیع می‌شوند.

عضو هیات مدیره کانون کارگران بازنشسته توضیح داد: این منابع امروز به درستی و هدفمند توزیع نمی‌شوند، حال آن‌که توزیع زمانی موفق و موثر خواهد بود که هدفمند باشد و فقط به دست افسران میزبند برسد. اکنون چنین چیزی رعایت نمی‌شود و به تمام جمعیت یارانه و کالا بر داده می‌شود. وقتی به همه یک میزان پرداخت می‌شود، اثر توزیعی آن بر کاهش ضریب جینی به حداقل خواهد رسید. حال آن‌که با همین منابع اگر اصلاحاتی صورت بگیرد که اصابت به هدف بیشتر شود، به‌نحو محسوسی به کاهش نابرابری منجر می‌شود.

فشار فقر را می‌توان کاهش داد

او درباره چرایی هدررفت منابع و اصلاح نشدن نظام یارانه‌ای کشور یادآوری کرد: مشکل اصلی اینست یک بانک اطلاعاتی کارآمد است. این‌که دولت به همه کالا برگ پرداخته به این دلیل است که بانک اطلاعاتی لازم را ندارد و دقیقاً نمی‌داند کدام افراد نیازمند نیستند و کدام خانواده‌ها نیازمندند. به دلیل فقر اطلاعات دولت هم به همه یارانه می‌پردازد که در عمل موجب هدررفت منابع می‌شود. اگر این‌طور نباشد، می‌توان با همین منابع فعلی

افزایش دادند اما هنوز مابه‌التفاوت این تأخیر پرداخت نشده که موجب انتقاد و اعتراض بازنشستگان هم شده است.

او افزود: در تعیین حداقل دستمزد امسال، شورای عالی کار حداقل دستمزد را ۴۵ درصد به علاوه ۱.۵ میلیون تومان (چیزی حدود ۶۰ درصد) افزایش داد. هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی هم بر این اساس، مستمری‌ها را افزایش داد. هر چند باید توجه کنید که با این کار ۴۰ هزار میلیارد تومان بر هزینه‌های سازمان افزوده شد. یعنی پارسل هزینه مستمری‌های سازمان ۹۳ همت بود و در خرداد ماه با افزایش آن به بیش از ۱۲۰ همت افزایش یافت.

این فعال صنفی افزود: مشکل اساسی این است که در چند ماه گذشته به شدت هزینه مصرف کنندگان و خانواده‌های ایرانی افزایش پیدا کرده است. بررسی‌هایی که این طرف و آن طرف هم صورت گرفته موبد این نکته است که شدت افزایش قیمت کالاهای مصرفی خانوار، به ویژه خوراک‌های بسیار بیشتر از دیگر کالاهای بوده است. تورم در بخش‌های معیشتی از جمله خوراک‌ها سه‌رقمی شده که نشان‌دهنده دشواری شرایط عمومی است. از نظر حیدری حذف ارز ترجیحی در دی ماه مهم‌ترین عامل افزایش نرخ تورم خوراک‌ها نبوده است.

هم فشار هزینه‌ها بر خانوار واقعی است و هم کمبود منابع دولت

دولت در حالی که با کمبود چشمگیر منابع مواجه است، نباید در شرایط فعلی صراقت‌ماشاگر اوضاع باشد. دولت‌ها حتی در اوضاع بسیار بحرانی هم می‌توانند با سیاست‌گذاری و مداخله‌های ضروری، مدیریت بهتری بر منابع فعلی و هزینه‌کرد آنها داشته باشند.

حیدری در این باره توضیح داد: در بحث فقر زدایی، حتی وقتی منابع کافی هم وجود دارد، اگر به شکل پهنه و دقیق

انتقاد کارگران پروژه مرمت ارگ قدیم بم از وضعیت پرونده‌های بیمه‌ای



به گفته وی، مطالبه اصلی کارگران پروژه مرمت ارگ قدیم بم در شرایط فعلی، اصلاح ساختار بیمه‌ای موجود و انتقال پرونده‌های بیمه‌ای به شعبه تأمین اجتماعی نزدیک به محل کار است اما کان پیگیری امور قانونی و اداری برای آنان تسهیل شود.

این کارگر تاکید کرد که مساله اصلی کارگران پروژه ارگ قدیم بم در حال حاضر، موضوع معوقات مزدی نیست؛ بلکه مشکلات بیمه‌ای و اداری ناشی از فاصله محل کار با شعبه بیمه، به مطالبه فوری آنان تبدیل شده است.

خبر

بلاتکلیفی ۱۵۰ کارگر اخراجی پالایشگاه گاز ایلام



وعده بازگشت به کار بود اما با گذشت زمان مشخص شد که این وعده‌ها تنها برای فروکش کردن اعتراضات بوده و تاکنون اقدام عملی برای بازگشت به کار آنان صورت نگرفته است.

علاوه بر بحران بیکاری، بخشی از این کارگران پیمانکاری هنوز موفق به دریافت دستمزد به‌یمن و اسفند سال گذشته خود نشده‌اند. به گفته کارگران، کارفرما از پرداخت این معوقات سر باز می‌زند و در عین حال، وضعیت برقراری بیمه بیکاری برای این افراد نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.